

ابتکار امنیت جهانی و صلح توسعه ای: تحلیلی بر میانجیگری چین بین ایران و عربستان

نوذر شفیع^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۹

چکیده

میانجیگری چین بین ایران و عربستان که به تنش زدایی در روابط دو کشور منجر شد، نه تنها نقطه عطفی در روابط تهران-ریاض بلکه نقطه عطفی در تحولات خاورمیانه و همینطور ابتکارات چین برای صلح و امنیت جهانی قلمداد می شود. پرسش مقاله آن است که چه عواملی در موفقیت چین در تنش زدایی بین ایران و عربستان موثر بوده اند؟ فرضیه مقاله که به روش توصیفی تحلیلی بررسی شده آن است که در هم تنیدگی منافع بین چین و منطقه خاورمیانه، بویژه خلیج فارس، روابط نزدیک چین با تهران و ریاض و برداشت این دو از بی طرفی و انصاف چین در تعامل با این دو کشور، بعلاوه افزایش هزینه های ناشی از رقابت ایران و عربستان که دو کشور را بر سر دو راهی استراتژیک "آستی" و "رقابت" قرار داده بود، زمینه را برای مداخله چین و موفقیت دیپلماسی این کشور فراهم ساخت. یافته های مقاله نشان داد که ابتکار چین در آستی بین ایران و عربستان به اعتبار و در نتیجه اقتدار بین المللی چین می افزاید و راه را برای آغاز دوره ای بنام "صلح چینی" فراهم می سازد.

کلید واژه: ابتکار امنیت جهانی، صلح توسعه ای، صلح چینی، خاورمیانه، تنش زدایی.

مقدمه

تجارت، سرمایه گذاری، فناوری، علم، فرهنگ، ورزش و جوانان که در سال ۱۹۹۸ بین دو کشور امضا شد و توافقنامه همکاری امنیتی که در سال ۲۰۰۱ به امضا رسید.

توافق ایران و عربستان با وساطت چین، یک موفقیت بزرگ برای منطقه و فراتر از آن است. بحرین، کویت، عمان، قطر، امارات متحده عربی، عراق، الجزایر، مصر، پاکستان، سودان، ترکیه، فرانسه، سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و شورای همکاری خلیج فارس از

در نوزدهم اسفند ۱۴۰۲، چین میانجی یک توافق تاریخی شد که هدف از آن احیای روابط عربستان سعودی و ایران بود. بیانیه مشترک سه جانبه ای که به امضای علی شمخانی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران، مسعود بن محمد العیسان مشاور امنیت ملی عربستان سعودی و وانگ یی، مدیر دفتر کمیسیون امور خارجه چین رسید، بر بازگشت ایران و عربستان به انطباق و اجرای دو توافقنامه کلیدی تاکید کرد: موافقتنامه عمومی همکاری در زمینه های اقتصادی،

قرار داده و بر این باور است که ابتکار صلح سازی چین در خاورمیانه از این دو ابتکار پیروی می کند. در انطباق ابتکار امنیت جهانی چین با صلح سازی در خاورمیانه بر روی دو سند تمرکز خواهد شد: طرح پنج ماده ای چین برای ثبات در خاورمیانه و طرح چهار ماده ای چین برای معماری جدید در خاور میانه. در انطباق ابتکار صلح توسعه ای چین با صلح سازی در خاور میانه نیز بر ابتکار کمربند - جاده تمرکز خواهد شد.

پس از آنکه مطالعه اسناد فوق راه را برای فهم ابتکارات صلح چین در خاورمیانه باز کرد، بر ابتکار چین در مذاکره و صلح سازی بین ایران و عربستان تمرکز می شود و نشان داده خواهد شد که چگونه رویکرد سازنده چین به خاورمیانه، تهران و ریاض را به پذیرش یک راه حل چینی برای حل چالش های خود و خاورمیانه تشویق کرده است.

۱. چارچوب مفهومی: ابتکار امنیت جهانی و صلح توسعه ای

در سال های اخیر و به موازات قدرتیابی چین در عرصه جهانی، این کشور ایده ها و ابتکارات مختلفی را برای حفظ و ارتقای صلح و امنیت بین المللی ارائه کرده است که نه تنها در عمل موفقیت های چشمگیری را به همراه داشته بلکه چین را در جایگاه یک کشور صلح دوست و یک مدیر موفق در حفظ ثبات و امنیت جهانی قرار داده است. ابتکار امنیت جهانی و صلح توسعه ای دو مورد از این ایده ها و ابتکارات است.

۱-۱- ابتکار امنیت جهانی

ابتکار امنیت جهانی در شکل رسمی آن برای اولین بار در سخنرانی رئیس جمهور چین، شی جین پینگ، در ۲۱ آوریل ۲۰۲۲ در مراسم افتتاحیه انجمن بؤابو برای کنفرانس سالانه آسیا، مطرح شد. سایت وزارت خارجه چین با انتشار سندی در این باره، این ابتکار را در چهار بخش توضیح داده است. بخش اول به «پس زمینه ها» اشاره دارد. بخش دوم به «مفاهیم و اصول» این ابتکار مربوط می شود که شامل شش اصل به

این توافق استقبال کردند. کاخ سفید نیز از آن استقبال کرد و گفت که «ما از هر تلاشی برای تنش زدایی در منطقه حمایت می کنیم و فکر می کنیم این به نفع خود ما نیز هست». اما این توافق باعث نگرانی اسرائیل و برخی گروه ها در ایالات متحده شد.

پیش از این، بسیاری از کشورهای دیگر مانند روسیه، پاکستان، عراق، قطر، کویت و عمان برای میانجیگری بین ایران و عربستان تلاش کرده بودند اما همه این تلاش ها ناکام مانده بود. تنها چین موفق به پایان دادن به بن بست طولانی مدت در روابط عربستان و ایران شد. موفقیت چین در میانجیگری بین ایران و عربستان، یک پیروزی دیپلماتیک برای این کشور قلمداد می شود و این مهم نشان داد که نفوذ چین در منطقه خاورمیانه و بویژه خلیج فارس بالا است. اگرچه میانجیگری چین همه مشکلات بین دو کشور را حل نکرده است، با این حال، عادی سازی روابط دیپلماتیک بین دو کشور بزرگ منطقه خلیج فارس بر محیط ژئوپلیتیکی نه تنها در خلیج فارس بلکه در خاورمیانه نیز تأثیر خواهد گذاشت.

سوالی که در اینجا مطرح می شود این است که چه عواملی در موفقیت چین در تنش زدایی بین ایران و عربستان موثر بوده اند؟ فرضیه مقاله که به روش توصیفی تحلیلی بررسی شده آن است که در هم تنیدگی منافع بین چین و منطقه خاورمیانه، بویژه خلیج فارس، روابط نزدیک چین با تهران و ریاض و برداشت این دو از بی طرفی و انصاف چین در تعامل با این دو کشور، بعلاوه افزایش هزینه های ناشی از رقابت ایران و عربستان که دو کشور را بر سر دو راهی استراتژیک آشتی و رقابت قرار داده بود، زمینه را هم برای مداخله چین و هم موفقیت دیپلماسی این کشور در تنش زدایی بین ایران و عربستان فراهم ساخت.

جنبه جدید بودن این مقاله در آن است که بر خلاف نوشتجات دیگر که موضوع میانجیگری چین را اغلب از زاویه روابط ایران و عربستان مورد بررسی قرار داده اند، این مقاله از زاویه چین به این موضوع پرداخته است. از این منظر، این مقاله «ابتکار امنیت جهانی» و «صلح توسعه ای» چین را بعنوان چراغ راهنمای خود

است که بر اجرای پیشنهاد پنج ماده ای چین در مورد تحقق صلح و ثبات در خاورمیانه و اشاره دارد. در بخش چهارم به «بسترها و مکانیسم‌های همکاری» اشاره شده که شامل پنج بند است. در میان این بندها، آنکه با هدف این مقاله بیشتر همخوانی دارد «بند دو» است که اشعار می‌دارد: از نقش سازمان همکاری شانگهای، همکاری بریکس، کنفرانس تعامل و اقدامات اعتمادسازی در آسیا، مکانیسم «چین + آسیای مرکزی» و ... استفاده کنید و همکاری امنیتی را به صورت تدریجی برای دستیابی به موفقیت انجام دهید. اهداف مشابه را از طریق ایجاد یک پلت فرم گفتگوی چندجانبه در منطقه خلیج فارس و... برای ترویج صلح و ثبات منطقه ای و جهانی دنبال نمایید (۲۰۲۳، fmprc.gov.cn).

اگر بخواهیم در راستای اهداف این مقاله، ابتکار امنیت جهانی چین را تلخیص کنیم باید گفت: چین آماده است به ابتکار خود و یا در شراکت با دیگران ضمن رعایت اصول منشور ملل متحد و بعنوان بخشی از امنیت تفکیک ناپذیر جهانی، برای حل و فصل چالش‌های خاورمیانه و خلیج فارس وارد عمل شود. در این مقاله، ابتکار چین در میانجیگری بین ایران و عربستان، بعنوان اقدامی در راستای جامعه عمل پوشاندن به ابتکار امنیت جهانی تفسیر شده است.

۱-۲-۱- صلح توسعه‌ای

بر خلاف ابتکار امنیت جهانی که بصورت یک سند توسط وزارت خارجه چین منعکس شده است، در باره صلح توسعه ای کمتر سند رسمی وجود دارد. با اینحال با بررسی سخنرانی‌های مقامات چین و نیز نوشتجات اندیشمندان چینی به همراه سایر تحلیلگرانی که در باب صلح توسعه ای قلم فرسایی کرده اند، می‌توان مشخصاتی را برای آن احصاء کرد که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱-۲-۱- همکاری بین‌المللی

چین از همکاری به عنوان راهی برای پیگیری صلح، ترویج توسعه و حل و فصل اختلافات استفاده می‌کند. این کشور به دنبال ایجاد و توسعه روابط همکاری

شرح ذیل است:

- ما به چشم انداز «امنیت مشترک، جامع، همکاری و پایدار» متعهد می‌مانیم و برای حفظ صلح و امنیت جهانی با هم کار می‌کنیم.

- ما متعهد به «احترام به حاکمیت و تمامیت ارضی همه کشورها» هستیم، از عدم مداخله در امور داخلی حمایت می‌کنیم و به انتخاب‌های مستقل مسیرهای توسعه و سیستم‌های اجتماعی که توسط مردم کشورهای مختلف انجام می‌شود، احترام می‌گذاریم. - ما متعهد به تبعیت از «اهداف و اصول منشور ملل متحد» می‌مانیم، ذهنیت جنگ سرد را رد می‌کنیم، با یکجانبه‌گرایی مخالفیم و به سیاست گروهی و رویارویی بلوکی «نه» می‌گوییم.

- ما متعهد به جدی گرفتن «نگرانی‌های امنیتی مشروع همه کشورها» هستیم، از اصل «امنیت تفکیک ناپذیر» حمایت می‌کنیم، یک معماری امنیتی متعادل، مؤثر و پایدار ایجاد می‌کنیم، و با پیگیری امنیت خود به قیمت امنیت دیگران مخالفت می‌کنیم.

- ما متعهد به «حل مسالمت آمیز اختلافات بین کشورها از طریق گفتگو و رایزنی» هستیم، از همه تلاش‌هایی که برای حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران‌ها کمک می‌کند حمایت می‌کنیم، استانداردهای دوگانه را رد می‌کنیم، و با تحریم‌های یکجانبه و صلاحیت غیرقانونی مخالفیم.

- ما به حفظ امنیت در حوزه‌های سنتی و غیرسنتی متعهد می‌مانیم و بر روی اختلافات منطقه ای و چالش‌های جهانی مانند تروریسم، تغییرات آب و هوایی، امنیت سایبری و امنیت زیستی با هم کار می‌کنیم.

در بخش سوم این ابتکار، بر «اولویت همکاری‌ها» تاکید شده و در بیست بند این اولویت‌ها را ذکر کرده است. دو بند از این اولویت‌ها با هدف این مقاله بیشتر همخوانی دارد. یکی «بند پنج» است که بر ترویج حل و فصل سیاسی مسائل بین‌المللی و منطقه ای تاکید می‌کند و اعلام می‌دارد: «ضمن رعایت اصل عدم مداخله، کشورهای مربوطه را تشویق کنید تا بر اختلافات فائق آیند و نقاط داغ را از طریق گفتگو و ارتباط صریح حل کنند...دیگری «بند هفت»

جویانه با سایر کشورها و مقابله موثر با چالش‌های رو به رشد جهانی از طریق گسترش مداوم همکاری‌های متقابلا سودمند است.

۱-۲-۲- توسعه‌گرایی

این موضوع که اغلب جنگ‌های داخلی و بین‌دولتی در درون و یا بین کشورهای توسعه نیافته اتفاق می‌افتد، امری بدیهی است. بنابراین به همان میزان که توسعه نیافتگی یکی از علل جنگ‌ها است، توسعه یافتگی می‌تواند یکی از راه‌حل‌های جلوگیری از جنگ باشد (Limpach & Michaelowa, 2010: 36). از دید چین، در نتیجه توسعه مشترک، کشورها به طور فزاینده‌ای به یکدیگر وابسته می‌شوند. تنها زمانی که توسعه مشترک همه کشورها محقق شود و افراد بیشتری در ثمره توسعه سهیم شوند، صلح و ثبات جهانی می‌تواند پایه‌ای محکم داشته باشد (gov.cn, 2014).

۱-۲-۳- صلح از بالا به پایین

صلح توسعه‌ای، صلح از بالا به پایین است. یعنی دولت چین اغلب با دولت‌های مستقر کار می‌کند و آن را نماد حاکمیت یک کشور می‌بیند. سبک چینی صلح توسعه‌ای بر این واقعیت تاکید دارد که سیاست‌های باثبات دولت‌محور، در کمک به یک کشور در حال توسعه برای دستیابی به توسعه اقتصادی بسیار کارآمد هستند (Wong & Li, 2021: 9). از این رو در جنگ‌های داخلی بدون آنکه در امور داخلی کشورها مداخله کند، تلاش می‌کند زمینه را برای مذاکره طرفین درگیر فراهم کند (ICG 2017). در روابط بین کشورها نیز به همین گونه عمل می‌کند و بیشتر بعنوان یک واسطه و تسهیل‌گر عمل می‌کند تا یک مداخله‌کننده. این درحالی است که در صلح لیبرال، کشورهای واسطه، نقشی به مراتب بالاتر از یک واسطه برای خود قایل هستند و سعی می‌کنند مسیر تحولات را بگونه‌ای سوق دهند که به دمکراسی ختم شود. از این رو گفته می‌شود صلح لیبرال، صلح از پایین به بالا است (Wolf, et al., 2013).

۱-۲-۴- عدم مداخله در امور داخلی کشورها

چین در دوره حکومت مائو یکی از کشورهای مداخله‌گر قلمداد می‌شد چراکه در پی صدور انقلاب به کشورهای دیگر بود. از اواخر دهه ۱۹۷۰ که روند اصلاحات تحت رهبری دنگ شیائوپینگ شروع شد، بتدریج این خصیصه از سیاست خارجی این کشور رخت بربست (Wong, 2018: 6). چین بر این باور است که مداخله‌گرایی قدرت‌های بزرگ و منطقه‌ای بیش از آنکه به صلح کمک کند باعث بی‌ثباتی بیشتر و گسترش منازعات شده است. از این رو نه تنها کشورها باید از مداخله در امور داخلی یکدیگر پرهیز کنند بلکه از نظر سیاسی، کشورها باید به یکدیگر احترام بگذارند، مسائل داخلی یک کشور باید توسط مردم خود تصمیم‌گیری شود، اما مسائل بین‌المللی باید توسط همه کشورها از طریق مشورت در یک موقعیت برابر تصمیم‌گیری شود (gov.cn, 2014: 3).

۱-۲-۵- اعتماد سازی بین کشورها

شکی نیست که ریشه بسیاری از منازعات از بی‌اعتمادی کشورها نسبت به هم ناشی می‌شود. بی‌اعتمادی نیز اغلب ریشه در عدم گفتگو و مشورت کشورها با یکدیگر دارد. چین در صدد است تا از طریق توسعه مشترک و وابستگی متقابل پیوند عمیقی را بین کشورها ایجاد کند بگونه‌ای که در پرتوی آن باب همکاری، گفتگو، و مشورت همواره بین کشورها باز باشد. این مهم می‌تواند اعتماد متقابل را به یک خصیصه پایدار در روابط کشورها تبدیل کند. شکل‌گیری اعتماد متقابل باعث می‌شود کشورها اختلافات موجود را به جای توسل به جنگ، به صورت مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند و این به صلح و ثبات جهانی کمک می‌کند (gov.cn, 2014: 5).

۱-۲-۶- احترام به حاکمیت ملی کشورها

چین روابط دوستانه با سایر کشورها را بر اساس پنج اصل همزیستی مسالمت‌آمیز ترویج می‌کند. این کشور با هیچ کشور یا گروهی از کشورها ائتلاف نمی‌کند، تشابه نظام اجتماعی و سیاسی یا ایدئولوژی

مفهوم دو روی یک سکه اند و حلقه وصل آنها، ابتکار چین برای کمک به صلح و امنیت جهانی است. در اولی اگر کشورها با یکدیگر همکاری کنند صلح به ارمغان آورده می‌شود و در دومی اگر کشورها توسعه پیدا کنند، تمایلی به جنگ نشان نمی‌دهند.

۲. بازتاب ابتکار امنیت جهانی و صلح توسعه ای در خاورمیانه

در این قسمت از مقاله سعی خواهد شد تا جلوه‌های ابتکار امنیت جهانی و صلح توسعه ای در منطقه خاورمیانه بطور کلی بررسی شود تا زمینه لازم برای فهم مذاکرات ایران و عربستان در پرتوی این دو مفهوم در بخش بعدی فراهم گردد.

۲-۱-۱- ابتکار امنیت جهانی

برای آنکه ابتکار امنیت جهانی را در باره اقدام چین در میانجیگری بین ایران و چین عملیاتی کنیم لازم است به دو سند توجه شود: طرح پنج ماده ای چین در باره امنیت و ثبات در خاور میانه و معماری جدید امنیتی چین برای خاورمیانه.

۲-۱-۱- طرح پنج ماده ای چین برای امنیت و ثبات در خاور میانه

وانگ یی وزیر خارجه چین بر این باور است که «خاورمیانه در تاریخ بشریت، دارای تمدن‌های درخشان بوده است. با این حال، به دلیل درگیری‌ها و آشفتگی‌های طولانی در تاریخ جدیدتر، این منطقه به ورطه ناامنی سقوط کرده است. برای اینکه منطقه از هرج و مرج خارج شود و از ثبات برخوردار شود، باید از سایه رقابت ژئوپلیتیکی قدرت‌های بزرگ رهایی یابد و به طور مستقل مسیرهای توسعه متناسب با واقعیت‌های منطقه ای خود را بررسی کند» (fmprc.gov.cn, ۲۰۲۱:۱). بر اساس این پس‌زمینه، چین یک طرح پنج ماده‌ای را برای دستیابی به امنیت و ثبات در خاورمیانه پیشنهاد می‌کند:

- حمایت از احترام متقابل: خاورمیانه خانه تمدن‌های منحصر به فردی است که نظام‌های اجتماعی و سیاسی منحصر به فردی را پرورش داده اند. باید به

را به عنوان معیاری برای تعیین نوع روابط خود با سایر کشورها قرار نمی‌دهد، به حق مردم سایر کشورها برای انتخاب مستقل نظام سیاسی و اجتماعی و مسیر توسعه خود احترام می‌گذارد و در امور داخلی سایر کشورها دخالت نمی‌کند. این کشور اراده خود را بر دیگران تحمیل نمی‌کند و با رعایت عدالت، نقش فعال و سازنده ای در امور بین‌المللی ایفا می‌کند (Ruan, ۲۰۱۲:۶)

۲-۲-۷- فرصت برابر برای همه

همه انواع دولت‌ها می‌توانند تا زمانیکه با به رسمیت نشناختن تایوان، به سیاست چین واحد احترام بگذارند، کمک‌های توسعه ای چین را دریافت کنند. برای چین، صرف نظر از نوع دولت گیرنده، همه کشورها باید از حقوق و فرصت‌های برابر برای توسعه برخوردار باشند. (Wong & Li, ۲۰۲۱:۳) از این منظر، گویی چین بر حق توسعه به عنوان یک حق اساسی بشر تمرکز می‌کند. چین در سال ۲۰۱۹ به نمایندگی از ۱۳۹ کشور در سازمان ملل خواستار تحقق کامل حق توسعه برای همه مردم شد و اعلام کرد که همه مردم باید از حقوق برابر برای مشارکت در توسعه برخوردار باشند (Xinhua, ۲۰۱۹:۱).

۲-۲-۸- اولویت توسعه اقتصادی بر توسعه سیاسی

در صلح توسعه ای، اقتصاد بر سیاست اولویت دارد در حالی که در صلح لیبرال بر سیاست (دمکراسی و حقوق بشر) بعنوان پیش شرط کمک‌های توسعه ای تاکید می‌شود. در صلح توسعه ای رفع نیازهای اولیه انسانی یعنی نیازهای مادی در اولویت است و لذا چینی‌ها بیشتر بر جنبه فیزیکی حقوق بشر تمرکز می‌کنند و حق توسعه اقتصادی و زندگی شرافتمندانه را در اولویت قرار می‌دهند. (Wong & Li, ۲۰۲۱:۲۶)

حال سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که ابتکار امنیت جهانی و صلح توسعه ای چگونه می‌تواند میانجیگری چین در روابط ایران و عربستان را توضیح دهد. از دید این مقاله، همانگونه که از محتوای این دو ابتکار کاملاً روشن است، این دو

مطرح شد. این طرح شامل چهار بند اصلی است که عبارتند از:

- حمایت از یک مفهوم امنیتی جدید مشترک، جامع و پایدار: کشورهای خاورمیانه سرنوشت مشترکی دارند و موضوعات کانونی منطقه به هم مرتبط هستند. ما باید مفهوم امنیت مشترک را حفظ کنیم، به نگرانی‌های امنیتی مشروع همه کشورها توجه کنیم و به دنبال امنیت مطلق یکجانبه نباشیم... ما باید به راه همکاری پایبند باشیم و با گفتگوی سیاسی و مذاکرات مسالمت آمیز به امنیت برسیم و به زور و اقدامات یکجانبه اعتقاد نداشته باشیم. ما باید به دنبال امنیت پایدار باشیم و منازعات را از طریق توسعه حل کنیم ...

- ایجاد یک چارچوب امنیت منطقه ای: در خاورمیانه «خلاء قدرت» وجود ندارد، مردم خاورمیانه صاحب آینده و سرنوشت منطقه هستند و رهبری امور امنیتی خاورمیانه نیز باید در اختیار کشورهای خاورمیانه باشد. چین از کشورهای خاورمیانه در ایجاد چارچوب امنیتی منطقه ای که منطبق بر واقعیت‌های منطقه باشد و منافع همه طرف‌ها را در نظر بگیرد و راهی برای ثبات بلندمدت در خاورمیانه باشد، حمایت می‌کند. - رعایت اهداف و اصول منشور سازمان ملل: ... حفظ نظم بین‌المللی مبتنی بر حقوق بین‌الملل و هنجارهای اساسی روابط بین‌الملل بر اساس اهداف و اصول منشور ملل متحد ضروری است. کشورهای خارج از منطقه باید با جدیت به حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی کشورهای خاورمیانه احترام بگذارند و از جستجوی منافع شخصی ژئوپلیتیکی و حوزه نفوذ در خاورمیانه دست بردارند...

- تقویت گفتگوهای امنیت منطقه ای: چین از سرگیری مذاکرات صلح فلسطین و اسرائیل در اسرع وقت بر اساس «راه حل دو کشوری» حمایت می‌کند... چین از کشورهای منطقه خلیج فارس برای تقویت گفتگو و کاهش درگیری‌ها حمایت می‌کند و ایجاد یک پلت فرم گفتگوی امنیتی خلیج فارس را برای ایجاد اعتماد متقابل و ایجاد امنیت مشترک از طریق گفتگو پیشنهاد می‌کند (fmprc.gov.cn, ۲۰۲۲).

ویژگی‌ها، الگوها و مسیرهای زیست خاورمیانه احترام گذاشت... برای دستیابی به همزیستی مسالمت آمیز بین همه اقوام در خاورمیانه، ترویج گفتگو و تبادل تمدن‌ها مهم است.

- رعایت انصاف و عدالت: هیچ چیز بیش از یک راه حل صحیح برای مسئله فلسطین و اجرای جدی راه حل دو دولتی، عدالت و انصاف را در خاورمیانه نشان نمی‌دهد...

- عدم اشاعه هسته ای: در ارتباط با موضوع هسته ای ایران... وظیفه مبرم این است که ایالات متحده اقدامات اساسی را برای لغو تحریم‌های یکجانبه خود علیه ایران انجام دهد و ایران نیز به تعهدات هسته ای خود پایبند بماند. در عین حال، جامعه بین‌المللی باید از تلاش کشورهای منطقه برای ایجاد منطقه خاورمیانه عاری از سلاح‌های هسته‌ای و سایر سلاح‌های کشتار جمعی حمایت کند.

- تقویت امنیت جمعی: در ارتقای امنیت و ثبات در خاورمیانه، نگرانی‌های مشروع همه طرف‌ها باید مورد توجه قرار گیرد. تشویق گفتگو و مشورت، درک متقابل و هماهنگی و بهبود روابط بین کشورهای خلیج فارس مهم است... چین برگزاری «کنفرانس گفتگوی چندجانبه برای امنیت منطقه ای در خلیج فارس» را برای بررسی ایجاد مکانیسم اعتماد در خاورمیانه از طریق امنیت جمعی، فراگیر، تعاونی و پایدار پیشنهاد می‌کند.

- تسریع همکاری‌های توسعه ای: پایداری صلح و امنیت در خاورمیانه نیازمند توسعه، همکاری و یکپارچگی است... کمک به بازسازی کشورهای پس از مناقشه، حمایت از تنوع بیشتر در رشد اقتصادی کشورهای تولیدکننده نفت، و کمک به سایر کشورهای خاورمیانه در دستیابی به توسعه، با توجه به منابع غنی کشورهای مختلف در منطقه، مهم است. (fmprc.gov.cn, ۲۰۲۱:۱)

۲-۱-۲- معماری امنیتی جدید چین برای خاورمیانه

طرح معماری جدید چین برای خاورمیانه یکسال پس از طرح پنج ماده ای چین برای ثبات در خاورمیانه

است (Yi, ۲۰۲۲: ۳-۴). دولت چین تاکید کرده است که ابتکار کمربند-جاده بر چهار اصل اصلی استوار است: باز بودن، فراگیر بودن و هماهنگی، عملیات بازار محور و همکاری برد-برد برای کشورهای شرکت کننده. (Lukes, ۲۰۲۳: ۱)

اگرچه در چارچوب ابتکار کمربند-جاده، هر کشور یا منطقه ای اهمیت خاص خود را دارد اما منطقه خاورمیانه از جایگاه برجسته ای برخوردار است. اگر چین بخواهد بر اساس طرح «ساخت چین ۲۰۲۵» به کارخانه تولیدی جهان تبدیل شود و بدین ترتیب بخشی از اهداف ابتکار کمربند-جاده را تحقق بخشد، به شدت به انرژی منطقه خاورمیانه نیاز دارد. از این منظر، این کشور نه تنها امروزه همچنان بزرگترین مصرف کننده سوخت های فسیلی در جهان است و بیش از ۷۰ درصد نفت و ۴۰ درصد گاز طبیعی خود را وارد می کند، بلکه در آینده، بیشتر و بیشتر به منابع انرژی خاورمیانه وابسته خواهد بود. امروزه عربستان سعودی حدود یک پنجم از کل واردات انرژی چین را تامین می کند و درست قبل از سفر شی جین پینگ به عربستان در سال ۲۰۲۲، چین و قطر یک قرارداد بیست و هفت ساله به ارزش ۶۰ میلیارد دلار را برای تامین سالانه چهار میلیون تن گاز طبیعی مایع (ال ان جی) امضا کردند.

اما منافع چین در خاورمیانه بسیار فراتر از مساله امنیت انرژی است. چین از سال ۲۰۲۰ بزرگترین شریک تجاری جهان عرب بوده است و در سال ۲۰۲۱، تجارت دو طرفه از ۳۳۰ میلیارد دلار فراتر رفت (fmprc, ۲۰۲۲b, gov.cn). طی سال های اخیر، چین پیمان مشارکت استراتژیک را با دوازده کشور عربی خاورمیانه و شمال آفریقا امضا کرده است و روابط صمیمانه بی نظیری با همه طرف ها برقرار نموده است. از آخرین این موارد توافقنامه بیست و پنج ساله چین - ایران و چین-عراق در ۲۰۲۱ و چین-سوریه در اوایل سال ۲۰۲۲ است. چین مراقب بوده تا این توافقنامه ها را در چارچوب «توازن مثبت» یعنی «عدم طرفداری از یکطرف» حفظ کند. این با سیاست دیرینه این کشور مبنی بر «عدم مداخله» مطابقت دارد.

امروزه در چارچوب ابتکار کمربند-جاده، چین با ۱۹

علاوه بر این دو طرح که در چارچوب ابتکار امنیت جهانی مطرح شده اند، پیش از آن نیز چین اقداماتی را انجام داده بود که می توان آنها را پیش زمینه ابتکار امنیت جهانی قلمداد کرد. چین بین سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ تلاش کرد شکاف بین جامعه بین المللی و رژیم سودان را در جریان بحران دارفور پر کند. پکن پس از آن در سال های ۲۰۱۳-۲۰۱۵ اقدامی مشابه بین غرب و ایران بر سر برنامه هسته ای ایران انجام داد که در برنامه جامع اقدام مشترک به اوج خود رسید (Burton, ۲۰۲۳: ۱). چین همچنین در خلال بحران سوریه، پیشنهاد چهار ماده ای را برای حل سیاسی مسئله سوریه ارائه داد، در همین حال پکن چشم انداز سه ماده ای را برای اجرای راه حل دو کشوری برای مسئله فلسطین ارائه نمود (Gering, ۲۰۲۳: ۹). در خلال درگیری های عراق، لیبی، سودان، یمن و درگیری های اسرائیل و فلسطین نیز چین همواره نقش سازنده ای را برای حل مسایل داشته است (Lons, ۲۰۱۹: ۴). در شرایط جدید و در هنگام نگارش این مقاله، نیز این کشور مجدانه برای احیای برجام در تلاش است. شاید بتوان گفت مذاکرات ایران و عربستان جدید ترین و در عین حال مهمترین اقدام چین در ذیل ابتکار امنیت جهانی بوده است.

۲-۲- صلح توسعه ای: ابتکار کمربند-جاده

اگر به محتوای طرح پنج ماده ای چین برای ثبات خاورمیانه و طرح این کشور برای معماری امنیتی خاورمیانه توجه شود مشاهده می گردد که در بعضی از مفاد کرا را بر مساله توسعه بعنوان یک رکن مهم برای صلح و ثبات در خاورمیانه تاکید شده است. این بدان معنی است که ابتکار امنیت جهانی و صلح توسعه ای ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. با این حال اگر بخواهیم رد پای صلح توسعه ای را در سیاست خارجی چین پیدا کنیم، باید آن را در ابتکار کمربند-جاده که ماهیتی توسعه ای دارد، جستجو کنیم. در چارچوب ابتکار کمربند-جاده، چین با ۱۴۹ کشور و ۳۲ سازمان بین المللی اسناد همکاری امضا کرده است و بدین ترتیب گسترده ترین، فراگیرترین و بزرگترین بسترها را برای همکاری بین المللی ایجاد نموده

فارس نیست. از زمان راه اندازی ابتکار کمربند-جاده در سال ۲۰۱۳، فعالیت‌های چین در خلیج فارس به مرزهای جدیدی به ویژه توسعه زیرساخت‌های فیزیکی و دیجیتالی گسترش یافته است. در چارچوب ابتکار کمربند-جاده، قراردادهای ساخت و ساز و سرمایه گذاری در پروژه‌های بزرگ زیرساختی در سراسر کشورهای شورای همکاری خلیج فارس و عراق افزایش یافته است. امارات متحده عربی، عربستان سعودی و کویت هر کدام ابتکارات دیجیتالی مختلفی را به عنوان جزء اصلی برنامه‌های چشم انداز ۲۰۳۰ خود برای تحرک بخشیدن به رشد و ارتقای اشتغال راه اندازی کرده اند. امارات متحده عربی پیشگام در استقرار زیرساخت‌های مخابراتی پرسرعت است. چندین شرکت فناوری مالی (فین تک) به امارات نقل مکان کرده اند. «متا» در قطر یک مرکز مجازی برای مشاغل کوچک و متوسط با وینارهای آموزشی در زمینه بازاریابی دیجیتال ایجاد کرده است. عربستان سعودی نیز اخیراً مجوزهایی را به چندین شرکت برای ارائه خدمات دیجیتال اعطا کرده است. با این حال، انقلاب دیجیتالی خلیج فارس هنوز کامل نشده است و صنایع دیجیتال داخلی در مراحل اولیه توسعه هستند. به همین دلیل می‌توان تصور کرد که چشم انداز همکاری چین و کشورهای خلیج فارس برای آینده بسیار درخشان است. چین با معرفی جاده ابریشم دیجیتال در سال ۲۰۱۵، که یک شاخه مهم از ابتکار کمربند-جاده است، غول‌های فناوری خود از جمله علی بابا، و همچنین مخابرات بزرگ و فروشندهگان زیرساخت، به ویژه هواوی را به نقش آفرینی در بازار دیجیتال خلیج فارس تشویق کرده است (Calabrese, ۲۰۲۲: ۱-۳).

در چارچوب صلح توسعه ای، همه این اتفاقات این نتیجه را بدنبال دارد که رشد و توسعه اقتصادی کشورهای منطقه نوعی در هم تنیدگی اقتصادی را ایجاد می‌کند که رقابت ژئوپلیتیکی کشورها را کاهش و همکاری اقتصادی میان آنها را افزایش می‌دهد. ضمن اینکه این اتفاق در کل، باعث توسعه اقتصادی و افزایش سطح رفاه در کل منطقه می‌شود و انگیزه رقابت‌های ژئوپلیتیکی را کاهش می‌دهد. بدین

کشور خاورمیانه و شمال آفریقا وارد تعامل شده و بیش از دویست پروژه زیرساختی و انرژی در مقیاس بزرگ را در منطقه در دستور کار قرار داده است (Chinaarabcf, ۲۰۲۲: ۱۰). این پروژه‌ها که شامل بنادر، راه‌آهن، بزرگراه‌ها، نیروگاه‌ها، خطوط لوله، و ... است، شرق و غرب را از خلیج فارس تا دریای مدیترانه به هم متصل می‌کند. علاوه بر این در سال‌های اخیر، چین زمینه را برای «زیرساخت‌ها و فناوری‌های آینده» فراهم کرده است. در این چارچوب، شبکه‌ای از «جاده‌های ابریشم» را تشکیل داده است که حوزه‌های متعددی را در بر می‌گیرد: حوزه‌های دیجیتال و داده با شبکه‌های شهر هوشمند، کابل‌های فیبر نوری زیردریایی، ارتباطات جی ۴ و جی ۵، هوش مصنوعی، و محاسبات ابری و کوانتومی. مهم‌تر از همه، چین متعهد به ادغام ابتکار کمربند-جاده با استراتژی‌های توسعه منطقه‌ای، مانند چشم‌انداز ۲۰۳۰ عربستان سعودی، قطر، کویت و مصر است و سرنوشت این کشورها را بیشتر به سرنوشت خود گره می‌زند (Gering, ۲۰۲۳: ۷).

در میان کشورهای خاورمیانه، حوزه خلیج فارس از جایگاه برجسته تری برای چین برخوردار بوده و به همین دلیل این کشور تمرکز ویژه‌ای بر این منطقه داشته است. بعبارت دیگر، روابط چین و خلیج فارس نشان‌دهنده سیر صعودی و الگوی پیچیده‌تر مشارکت‌های چین در سراسر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا است که اشکال مختلف همکاری را در بر می‌گیرد. بعنوان مثال امروزه مشارکت در بخش انرژی فقط در شکل صادرات و واردات نیست بلکه سرمایه گذاری مشترک بین شرکت‌های انرژی چین و خلیج فارس، سرمایه گذاری‌های چینی در صنایع بالادستی خلیج فارس و انرژی‌های تجدیدپذیر، اقدام کشورهای عربی خلیج فارس به سرمایه گذاری در بازارهای پایین دستی چین مانند سرمایه گذاری آرامکو عربستان در یک پالایشگاه و تاسیسات پتروشیمی در ژجیانگ و اقدام مشابه کویت در همین پالایشگاه و ... جلوه جدید همکاری بین چین و کشورهای خلیج فارس است. اما تغییر در همکاری‌های بخش انرژی تنها تحول مهم در روابط چین و کشورهای عرب حوزه خلیج

در سال‌های اخیر چین سعی کرده است به جای اتحاد با بازیگران مختلف، استراتژی مشارکت را در پیش گیرد. چین بخوبی دریافته است که استراتژی اتحاد بدنبال خود جذب عده ای از کشورها و طرد عده دیگری را بدنبال دارد و این برای چین به معنی از دست رفتن بخشی از فرصت‌ها است. استراتژی مشارکت چین در دل خود نوعی بی طرفی مثبت را به همراه دارد که به چین کمک می‌کند تا تصویری مثبت و سازنده از چین در میان کشورها شکل گیرد. همچنین بی طرفی به چین کمک می‌کند تا قدرت نرم قابل توجهی را برای تبدیل شدن به یک میانجی در منطقه بدست آورد. اهرم و اعتبار یک واسطه نه تنها از قدرت سخت بلکه از قدرت نرم مانند ارائه تصویری اخلاقی نیز سرچشمه می‌گیرد. ایالات متحده بدون شک سخت‌ترین قدرت را در خاورمیانه دارد، اما به دام افتادن طولانی مدت آن در درگیری‌های خاورمیانه، تصویر منفی را از این کشور در میان ساکنان خاورمیانه ایجاد کرده است. در مقابل، تصویر پکن با سابقه پاک عدم دخالت در درگیری‌های منطقه ای و احترام به حاکمیت و استقلال کشورها، بسیار مثبت تر بوده است (Zhou, 2023: 2). احتمالاً چنین برداشتی از چین در ریاض و تهران باعث شد آنها به میانجگری پکن پاسخ مثبت دهند.

۳-۲- رعایت انصاف

انصاف باعث می‌شود تا این اطمینان حاصل شود که راه حل صلح پیشنهادی میانجی، در خدمت منافع مشترک طرف‌های درگیری است. این به کشور میانجی کمک می‌کند تا ابتکار عمل میانجی‌گرانه آن برای سایر کشورها دلپذیرتر شود. بنظر می‌رسد که چین هم خود سعی کرده است در راه حل‌های پیشنهادی انصاف را رعایت کند و هم ایران و عربستان چنین برداشتی را از رویکرد چین دارند. در درجه اول علت آن است که راه حل چینی منافع هر دو آنها را تامین می‌کند. تجربه روابط متعادل چین با ایران و عربستان این تصور را تقویت کرده است. بر اساس درک چینی‌ها از منطقه، ایران و عربستان سعودی «کشورهای محوری» هستند که قدرت سیاسی،

طریق است که ابتکار کمربند-جاده با ابتکار صلح توسعه ای چین ارتباط پیدا می‌کند و به این ایده چین جامه عمل می‌پوشاند که توسعه مشترک باعث صلح و امنیت مشترک می‌شود.

۳-بازتاب ابتکار امنیت جهانی و صلح توسعه ای بر تنش زدایی در روابط ایران و عربستان

تا اینجای مقاله روشن شد که چگونه چین درصدد است از طریق ابتکار امنیت جهانی و صلح توسعه ای به آرمانهای خود برای ارتقای امنیت و صلح جهانی جامه عمل بپوشاند. وقتی مذاکرات ایران و عربستان با وساطت چین را در این چارچوب قرار دهیم، آنگاه روشن خواهد شد که این مذاکرات از یک عقبه استراتژیک در چین ریشه دارد.

مذاکرات ایران و عربستان سعودی از سال ۲۰۲۱ عمدتاً در عراق و عمان انجام شده است. سایر کشورهای منطقه، از جمله کویت و پاکستان نیز، در هفت سال گذشته بارها و بارها تلاش کرده بودند برنامه ای برای مذاکره میان تهران و ریاض ترتیب دهند. تشدید تنش‌های نظامی در منطقه در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ، احساس مسئولیت سایر قدرت‌ها و بازیگران جهانی را برای کمک به مدیریت و حل مناقشات منطقه ای برانگیخت (Haghirian, & Scita, 2023: 1) و از اینجا بود که رغبت چین برای حل مسایل منطقه خلیج فارس بیشتر شد. برای آنکه راه حل چینی بتواند برای حل مسایل منطقه از جمله میانجگری بین ایران و عربستان نتیجه دهد، باید دارای چند مشخصه اساسی باشد:

۳-۱- رعایت بی طرفی

بی طرفی مبنای پذیرش هر بازیگر میانجی توسط طرف‌های درگیری است. بی طرفی در مقابل اتحاد قرار دارد. کشوری که متحد یکی از بازیگران درگیر است نمی‌تواند میانجی موفقی باشد چرا که در هر حال طرف مقابل احساس می‌کند که اقدام میانجی‌گرانه به زیان آن تمام می‌شود و لذا حاضر به پذیرش میانجی‌گری نمی‌شود.

عمل کند. به نظر می‌رسد ایران و عربستان نیز این نقش را پذیرفته‌اند. بعنوان مثال عربستان این ایده را پذیرفته است که پکن در نهایت بر اجرای تعهدات تهران نظارت خواهد کرد، زیرا «اگر ایران تقلب کند، چین را از دست خواهد داد» (Haghirian, & Scita, ۲۰۲۳:۲). احتمالاً تهران نیز چنین برداشتی از مساله دارد. بدین ترتیب با موافقت با دخالت چین، هم ایران و هم عربستان سعودی به یک روند جدی متعهد می‌شوند که جایی برای حقه بازی یا فریب باقی نمی‌گذارد. از این منظر، نوعی احترام در رویکرد هر دو کشور نسبت به چین وجود دارد که با نگرش آنها نسبت به ایالات متحده و کشورهای اروپایی بسیار متفاوت است. ایران و عربستان هرگز اقدامی برای تحقیر عمومی پکن انجام نداده‌اند. برعکس، هر دو کشور در سال‌های گذشته بارها فرش قرمز را برای مقامات چینی پهن کرده‌اند (Haghirian, & Scita, ۲۰۲۳:۲).

۳-۴- تمایل طرف‌های درگیر به مذاکره

ایران و عربستان دلایل خوبی برای دستیابی به توافق با یکدیگر داشتند. در طرف سعودی، این احساس وجود دارد که واشنگتن کمتر قابل اعتماد شده است. نمود این مهم آن است که واشنگتن متحدان خود را در مواجهه با حملات بزرگ مانند حملات پهپادی به سایت‌های آرامکو عربستان در سال ۲۰۱۹ تنها می‌گذارد. در آن زمان واکنش ترامپ به این حمله این بود که او به نمایندگی از عربستان سعودی وارد یک درگیری جدید نخواهد شد. بر این اساس، به نظر می‌رسد خاندان آل سعود از تعهد دولت گذشته و کنونی آمریکا به امنیت مطمئن نیستند. بنابراین، آنها از ابتکار چین برای ترمیم روابط با تهران استقبال کرده‌اند. انگیزه دیگر در پشت تمایل سعودی‌ها برای آغاز روابط دیپلماتیک با ایران این است که تنش زدایی با ایران، از برنامه توسعه اجتماعی-اقتصادی این کشور یعنی چشم انداز ۲۰۳۰ حمایت می‌کند. تشدید تنش با ایران، بودجه پروژه را تهدید می‌کند، سرمایه‌گذاری خارجی بسیار مورد نیاز را متوقف می‌کند و رویاهای عربستان سعودی را برای

اقتصادی و نظامی آنها، آنها را شرکای ضروری پکن می‌کند و بر این اساس پکن ناچار است توازن بین این دو را به مهمترین استراتژی خود تبدیل کند. برای هر دو کشور، چین بزرگترین شریک تجاری است. با این حال، تفاوت در سطوح تجاری قابل توجه است. در حالی که تجارت چین و عربستان در سال ۲۰۲۱ به ۸۷ میلیارد دلار رسید که با ۵۷ میلیارد دلار واردات نفت چین از این کشور تقویت شد، تجارت دوجانبه ایران و چین در همان سال کمی بالاتر از ۱۶ میلیارد دلار باقی ماند. ایران که زمانی یکی از بزرگترین تامین کنندگان نفت چین بود، برای حفظ تراز تجاری با مشکل مواجه بوده است. با این وجود، پکن به تهران و ریاض وضعیت شرکای استراتژیک جامع - بالاترین در دیپلماسی مشارکت چین در خاورمیانه - اعطا کرده است. اما اقدام متعادل چین بیشتر از امضای قراردادهای مشارکت مشابه با هر دو شریک است. در حالی که روابط اقتصادی چین بی‌تردید به نفع عربستان سعودی نامتعادل است، چین حمایت سیاسی و مالی ایران را در برابر فشارهای آمریکا تضمین می‌کند (Haghirian, & Scita, ۲۰۲۳:۲). این الگوی رفتاری چین باعث شده است در ریاض و تهران برداشت منصفانه‌ای از میانجیگری چین استنباط شود.

۳-۳- بر خورنداری از قدرت

قدرت به این دلیل مهم است تا اطمینان حاصل شود که کشور میانجی قادر به تضمین پایداری دستاورد میانجیگری است. در خاورمیانه، بر خلاف آمریکا که از قدرت سخت برای پایداری دستاورد میانجیگری استفاده می‌کند، چین از طریق ایجاد شبکه در هم تنیده‌ای از منافع برای خود و کشورهای منطقه استفاده کرده است. (Zhou, ۲۰۲۳:۲) امروزه به همان میزان که عربستان سعودی و ایران هر دو منابع اصلی واردات نفت خام چین هستند، چین نیز بزرگترین شریک تجاری عربستان و ایران است. این در هم تنیدگی منافع و نقش سرمایه و مدیریت چینی در این درهم تنیدگی، به چین امکان داده است بعنوان یک ضامن اطمینان بخش برای پایداری صلح و توسعه

خود در منطقه خلیج فارس به یک محیط صلح آمیز نیاز دارد. به همین دلیل است که این کشور نه تنها در پی پایان دادن به تنش‌ها در خاورمیانه است بلکه در پی ایجاد مکانیسم امنیت جمعی و منطقه‌ای در خلیج فارس از جمله تامین امنیت خطوط کشتیرانی است (Burton, ۲۰۲۳:۱). انگیزه دیگر پکن برای میانجیگری این است که چین خود را به عنوان یک بازیگر قابل اعتماد جهانی در منطقه معرفی می‌کند و خود را در فاصله مساوی از عربستان سعودی و ایران نگه می‌دارد. ثانیاً، چین با ایفای نقش میانجی ثابت کرده است که نقش سازنده‌ای دارد و این امر باعث کاهش مخاطرات اقتصادی چین در منطقه می‌شود. ثالثاً، چین این فرصت را یافته است تا با کمک به دو دشمن سابق، در بهبود روابط دوجانبه، ظرفیت قدرت نرم و مهارت‌های دیپلماتیک خود را اثبات کند. این همچنین نشان داد که استراتژی آمریکا در تحریم کشورهایمانند ایران چگونه نتیجه معکوس داشته است. فشار حداکثری ترامپ بر ایران و بی‌تفاوتی او به حملات به آرامکوی سعودی در سال ۲۰۱۹ و فاجعه انسانی در یمن منجر به تقویت موقعیت چین در منطقه شد (Zeynep Oktav, ۲۰۲۳:۳).

علاوه بر همه اینها، تقریباً ۵۰ درصد نفت وارداتی چین از منطقه خلیج فارس می‌آید - عربستان سعودی بزرگترین تامین کننده آن در سال ۲۰۲۱ بود. این کشور همچنین حدود ۷ درصد از گاز طبیعی مایع خود را از قطر وارد می‌کند و همانگونه که ذکر شد، اخیراً یک قرارداد عرضه بلندمدت با قطر امضا کرده است. ثبات در منطقه برای امنیت انرژی چین بسیار مهم است و کاهش تنش بین ایران و عربستان سعودی و کمک به آنها برای از سرگیری روابط رسمی دیپلماتیک می‌تواند این ثبات را افزایش دهد (John, ۲۰۲۳:۱). حملات پهبادی ۲۰۱۹ به تاسیسات آرامکوی عربستان به عنوان هشدار سرد در مورد اینکه تنش بین تهران و ریاض ممکن است به قلب منافع حیاتی چین ضربه بزند، بود. این هشدار چین را بر آن داشت تا با مسایل منطقه جدی‌تر برخورد کند و مثل گذشته صرفاً یک دریافت کننده سواری رایگان نباشد (Haghirian, & Scita, ۲۰۲۳:۲).

تبدیل شدن به یک مرکز منطقه‌ای و جهانی از بین می‌برد. بنابراین، ریاض مشتاق ترمیم روابط خود با ایران شد (Zeynep Oktav, ۲۰۲۳:۳).

از جانب ایران نیز این ضرورت احساس شده است. این کشور از نظر اقتصادی با مشکل مواجه است. بین سال‌های ۲۰۱۲ و ۲۰۲۱ تولید ناخالص داخلی ایران از ۶۴۴ میلیارد دلار به ۳۶۰ میلیارد دلار یعنی تقریباً نصف کاهش یافت. این مشکل با وضع تحریم‌های جدید از سوی آمریکا تشدید شده است (Burton, ۲۰۲۳:۱). ایران در عین حال، گسترش نقش سیاسی و اقتصادی چین در منطقه را به ضرر ایالات متحده تعبیر می‌کند. خروج دولت ترامپ از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ با ایران و عدم اطمینان در مورد اینکه آیا دولت بایدن هرگز به دنبال بازگشت به آن خواهد بود یا خیر، تهران را به این نتیجه رسانده است که آمریکا و متحدان غربی‌اش تمایلی به شناسایی یا احترام به منافع و نگرانی‌های منطقه‌ای ایران ندارند. در مقابل، تهران معتقد است که پکن شرایط ایران را درک می‌کند، به همکاری با ایران به رغم محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها ادامه داده است و وضعیت ایران را به عنوان یک قدرت منطقه‌ای به رسمیت می‌شناسد. (Yazdanshenas & Saleh, ۲۰۲۳:۲) علاوه بر این، ایران به ویژه پس از سیاست تهاجمی اسرائیل برای نفوذ به خلیج فارس در پی روند عادی سازی روابط بین اسرائیل، امارات متحده عربی (امارات متحده عربی) و بحرین، فوریت را برای نزدیک شدن به عربستان سعودی احساس کرده است (Aboudouh, ۲۰۲۳:۲). بنابراین ممکن است این تصور در ایران وجود داشته باشد که نزدیکی به عربستان می‌تواند برنامه آمریکا و اسرائیل را برای آسیب رساندن به ایران از ناحیه جنوب خلیج فارس خنثی کند.

۳-۵- منافع کشور میانجی

تلاش برای تنش زدایی بین چین و عربستان از ضرورت‌های استراتژیک چین نیز ناشی می‌شود. چین نه تنها برای کسب اعتبار برای رسیدن به موقعیت هژمونی، بلکه اساساً به دلیل حفاظت از سرمایه‌های

چین به بیش از ۱۶۰ کشور نیازمند، کمک‌های توسعه ای ارائه کرده است.

با این شرایط، بنظر می‌رسد اهداف چین در تنش زدایی بین ایران و عربستان، فقط عادی سازی روابط میان دو رقیب قدیمی نیست بلکه پکن با این ابتکار و امثال آن، در حال کسب تجربه برای مدیریت امور جهانی در سطحی گسترده تر است. موفقیت میانجیگری چین بین ایران و عربستان نشان می‌دهد که پکن با برنامه و بر اساس طراحی‌های از پیش تعیین شده در مسیر حفظ صلح و امنیت جهانی گام بر می‌دارد. ارتقای امنیت جهانی و صلح توسعه ای که چین برای مراحل مختلف، موفقیت خود را نشان داده است و اکنون در مذاکرات ایران و عربستان به اوج خود رسیده است.

چین با ابتکار صلح بین ایران و عربستان به اعتبار و در نتیجه اقتدار بین المللی خود برای کسب موقعیت هژمونی افزوده است. اگر کسب موقعیت هژمونی را نیازمند کسب اعتبار، جلب پیروان، و داشتن ایده برای اداره امور جهان بدانیم، ابتکار صلح چین بین ایران و عربستان، هر سه را در یکجا جمع کرده است. این ابتکار نشان داد که چگونه در حالی که امریکا بین ایران و عربستان شکاف ایجاد می‌کرد، چین این دو رقیب را به هم نزدیک کرد. چنین برداشتی باعث نگرش مثبت سایر کشورها به چین می‌شود و این یعنی بر پیروان چین افزوده می‌گردد. بعلاوه مذاکرات صلح ایران و عربستان نشان داد که چگونه راه حل چینی برای حل مشکلات کشورها می‌تواند مفید واقع شود. این بدان معنی است که ایده‌های چین برای حفظ و ارتقای صلح و امنیت بیت المللی کارآمد هستند. این مهم بر اعتبار و اقتدار چین می‌افزاید و راه را برای کسب موقعیت هژمونیک چین هموار می‌سازد. بدین ترتیب تنش زدایی بین ایران و عربستان نقطه عطفی در حرکت چین به سمت کسب موقعیت هژمونی قلمداد می‌شود و آغازگر دوره جدیدی در روابط بین الملل است که به دوره «صلح چینی» معروف خواهد شد.

با درک نیاز چین به وجود امنیت در خلیج فارس، این کشور پیش از این نیز گام‌های غیرمستقیمی را برای ایجاد آرامش در منطقه برداشته بود. بعنوان مثال، عربستان سعودی را تشویق کرد تا با پیوستن به سازمان همکاری شانگهای به عنوان شریک گفتگو موافقت کند. چین در همین حال با عضویت کامل ایران به این سازمان موافقت کرد. این دو اقدام نشانه روشنی از روابط سیاسی نزدیکتر چین با این دو کشور بود. اکنون چین با میانجیگری بین ایران و عربستان، گام مهمی برای توسعه روابط دیپلماتیک با کشورهای حوزه خلیج فارس برداشته است. تا همین اواخر، روابط چین با خلیج فارس به روابط اقتصادی محدود می‌شد اما اکنون روابط سیاسی و امنیتی خود را با کشورهای منطقه نیز افزایش داده است. این نشانه دیگری از افزایش صدای چین در سیاست بین الملل است. (Atman, ۲۰۲۳)

نتیجه گیری

چین هم در صلح جهانی و هم در توسعه جهانی نقش آفرین است و وساطت این کشور بین ایران و عربستان نمودی از این مهم قلمداد می‌شود. چین در همه زمینه‌های بین المللی، در امور چندجانبه مشارکت داشته است. تقریباً عضو تمام سازمان‌های بین‌دولتی جهانی و عضو بیش از ۶۰۰ کنوانسیون بین‌المللی است. این کشور بیش از ۲۷۰۰۰ معاهده دوجانبه منعقد کرده و با حسن نیت به تعهدات بین المللی خود عمل کرده است. چین شریک تجاری اصلی بیش از ۱۳۰ کشور و منطقه است. این کشور با حدود ۳۰ درصد رشد سالانه جهانی، بزرگترین موتور محرک اقتصاد جهانی است. چین در اجرای برنامه ۲۰۳۰ سازمان ملل متحد برای توسعه پایدار یک کشور پیشرو است. این کشور ده سال زودتر از چارچوب زمانی پیش بینی شده به هدف کاهش فقر دست یافته است و ۷۰ درصد از دستاوردهای کاهش فقر جهانی را به خود اختصاص داده است. چین همچنین یک شریک فعال در حکمرانی جهانی و همکاری جنوب-جنوب است.

Yi Attends the Second Middle East Security Forum", https://www.fmprc.gov.cn/eng/zxxx_202209/662805/t10770221_20220923.html.

- fmprc.gov.cn (2022b) "Foreign Ministry Spokesperson Mao Ning's Regular Press Conference on December 9, 2022", fmprc , https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/xwfw_665399/s202212/665403_2511/665401_2510/t10988054_20221209.html.

- fmprc.gov.cn (2021) "Wang Yi Proposes a Five-point Initiative on Achieving Security and Stability in the Middle East", https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjb_663304/wjbz_663308/activities_202103/663312/t9168120_20210327.html.

- Gov.cn(2014) "China's Peaceful Development", Information Office of the State Council, The People's Republic of China, September 2011, Beijing, http://english.www.gov.cn/archive/white_paper/09/09/2014/content_281474986284646.htm.

- Gering , Tuvia(2023) "Full throttle in neutral: China's new security architecture for the Middle East" , atlanticcouncil , <https://www.atlanticcouncil.org/in-depth-research-reports/issue-brief/full-throttle-in-neutral-chinas-new-security-architecture-for-the-middle-east/>

- Haghirian, Mehran, Scita, Jacopo(2023) "The Broader Context Behind China's Mediation Between Iran and Saudi Arabia", thediplomat , <https://thediplomat.com/03/2023/the-broader->

Reference

- Aboudouh, Ahmed(2023) "China's mediation between Saudi and Iran is no cause for panic in Washington", atlantic council, <https://www.atlanticcouncil.org/blogs/menasource/chinas-mediation-between-saudi-and-iran-is-no-cause-for-panic-in-washington/>.

- Atman, Muhittin(2023) "China's rise in the Middle East" , dailysabah , <https://www.dailysabah.com/opinion/columns/chinas-rise-in-the-middle-east>.

- Burton, Guy(2023) "Why the Saudi-Iran agreement doesn't herald an active role for China in the Gulf", eastasiaforum , <https://www.eastasiaforum.org/04/05/2023/why-the-saudi-iran-agreement-doesnt-herald-an-active-role-for-china-in-the-gulf/>.

- Calabrese, John(2022) "China's digital inroads into the Middle East", eastasiaforum, <https://www.eastasiaforum.org/19/10/2022/chinas-digital-inroads-into-the-middle-east/>.

- Chinaarabcf.org (2022) "Report on China-Arab Cooperation in the New Era", People's Republic of China Ministry of Foreign Affairs, chinaarabcf , http://www.chinaarabcf.org/chn/zagx/zajw/202212/t10984018_20221201.htm.

- fmprc.gov.cn (2023) "The Global Security Initiative Concept Paper", Ministry of foreign affairs of the People Republic of china, fmprc , https://www.fmprc.gov.cn/mfa_eng/wjbxw/202302/t11028348_20230221.html.

- fmprc.gov.cn (2022) "Wang

- fmprc.gov.cn (2022) "Wang

publication/the-chinese-communist-party-relationship-the-khmer-rouge-the-1970s-ideological-victory.

- Wolf, C., Wang, X., & Warner, E. (2013). China's Foreign Aid and Government-sponsored Investment Activities—Scale, Content, Destinations, and Implications, rand, https://www.rand.org/pubs/research_reports/RR118.html.

- Wong, Kwokchung, Li, Fujian (2021) "Rise of China's Developmental Peace: Prospects for Asian Hybrid Peacebuilding", Part of the Security, Development and Human Rights in East Asia book series (SDHRP), https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-94-007-6775-8_3.

- Xinhua. (2019) "China on Behalf of 139 Countries Calls for Full Realization of Right to Development at the UN", Xinhuanet, http://www.xinhuanet.com/english/14/09-2019/c_138390990.htm.

- Yazdanshenas, Zakiyeh, Saleh, Al am (2023) "Iranian-Saudi détente and "Asianization" of Persian Gulf: China fills the gap", mei, <https://www.mei.edu/publications/iranian-saudi-detente-and-asianization-persian-gulf-china-fills-gap>.

- Yi. Wang (2022) "Making Every Effort for Peace and Development and Shouldering the Responsibility for Solidarity and Progress", Statement by H.E. Wang Yi, State Councilor and Foreign Minister of The People's Republic of China at the General Debate of the 77th Session of The United Nations General Assembly, New York,

context-behind-chinas-mediation-between-iran-and-saudi-arabia/.

- Limpach, S., & Michaelowa, K. (2010) "The Impact of the World Bank and IMF Programs on Democratization in Developing Countries", Centre for Comparative and International Studies (CIS), 62-1, (1)62.

- Lukeš, Filip (2023) "China's Belt and Road Initiative: Transforming the Middle East at a Cost to the U.S.", <https://cbap.cz/archiv/5295>

- International Crisis Group (ICG). (2017), China's Foreign Policy Experiment in South Sudan, International Crisis Group. <https://www.crisisgroup.org/africa/horn-africa/south-sudan/-288china-s-foreign-policy-experiment-south-sudan>.

- Lons, Camille (2019) "China's great game in the Middle East", ecf, https://ecfr.eu/publication/china_great_game_middle_east/.

- Oliver B, John (2023) "China takes centre stage in Middle East diplomacy", eastasiaforum, <https://www.eastasiaforum.org/11/04/2023/china-takes-centre-stage-in-middle-east-diplomacy/>.

- Ruan, Z. Z. (2012) "Responsible Protection: Building a Safer World", China Institute of International Studies, http://www.ciis.org.cn/english/15/06-2012/content_5090912.htm.

- Wang, C. Y. (2018) The Chinese Communist Party's Relationship with the Khmer Rouge in the 1970s, Woodrow Wilson International Center for Scholars. <https://www.wilsoncenter.org/>

September 2022 ,24, fmprc, https://www.fmprc.gov.cn/eng/wjb_663304/wjbz_202209/663310_2461/663308/t10771160_20220925.html.

- Yuan, Xinyu (2020) "Chinese pathways to peacebuilding: from historical legacies to contemporary practices" , Pathways to Peace and Security, No 58(1). P. 45-26, <https://www.imemo.ru/en/publications/periodical/pmb/archive/58-1/2020/in-focus-east-asia/east-asian-approaches-to-peacebuilding/chinese-pathways-to-peacebuilding-from-historical-legacies-to-contemporary-practices>.

-Zeynep Oktav, Ozden (2023) "Saudi-Iran reconciliation: China's mediator role in Middle East", dailysabah ,<https://www.dailysabah.com/opinion/op-ed/saudi-iran-reconciliation-chinas-mediator-role-in-middle-east>.

- Zhou, Yiqi (2023) "The Power of Not Using Power: China and the Saudi-Iranian Rapprochement", blog.prif ,<https://blog.prif.org/22/05/2023/the-power-of-not-using-power-china-and-the-saudi-iranian-rapprochement/>.

